



۲۰۲۰/۰۲/۲۲



عبدالحمید سامع

انتخاب بین تعقل و زور!

نگاهی به عکس العمل های تیم های انتخاباتی

"بنیادگرایی"، که در طی قریب سی سال بر اوضاع کشور تسلط داشته است، با بحران سنگین چنان حامله است، که دشواری های بغرنج «ولادت دردناک»، جامعه جهانی را، با دردها و آلام نیز مبتلا ساخته است. عدم توافق آنها بر سر تقسیم قدرت، همه راه ها و در های امید "بیرون رفت" را ازین وضعیت غم انگیز، مسدود و در های دخولی و خروجی را "خاکریز" ساخته اند.

نویسنده در طول سال های تسلط این حلقات بر اوضاع کشور متمایل نبوده است، که از کدام گروپ و یا اشخاصی، که درین "حاکمیت" صاحب شهرت شده اند، حمایت و یا انتقاد کند. اصولاً همه این حلقات از هر قماشی که هستند، با طرق و روش های مشابه در تداوم این وضعیت عمل می کنند.

اختلافات، آنها را در یک محدوده تحت کنترل نگه می دارند. هدف آنان حفظ "نظام - سیاسی - دولتی" با "مهر" مذهبی و حفاظت آن از کسب نفوذ "سیکیولاریزم" است. در نهایت همه در پس پرده، در فکر آنند که "هژمونی" بنیادگرایان"، در همکاری تاریخی با "متنفذین" محلی نیز برهم نخورد. اما آنچه قابل تشویش و مورد نگرانی بوده می تواند، اینست که این افراد حال به چنان خود سری و بی حیایی عادت کرده اند، که حتی تمام "نورم ها" و تعاملات معمول بین المللی را، در روابط "دیپلوماتیک" نیز زیر پا کرده اند. شخص "عبدالله عبدالله" را که می توان، با افاده "عبدالله مربع" و یا "عبدالله به طاقت ۲" نیز یاد کرد، به طور نمونه در برابر "تبریکی" نماینده اتحادیه اروپا، که عنوانی "داکتر محمد اشرف غنی" فرستاده شده و یا اظهار نموده است، اعتراض می کند و آنرا خلاف "انتظار مردم افغانستان" می داند. این کدام بخشی از "مردم افغانستان" است، که "عبدالله عبدالله" در باره "انتظارات" آنها واقف است. مگر اتحادیه اروپا، درین سالها، اگر تنها پس از سال ۲۰۰۱م در نظر گرفته شود، در حوادث افغانستان دخیل نیست و دولت افغانستان را یاری نمی رساند؟

یکی از فیلسوفان معروف هوشدار می دهد، که: «انسان بین عقلانیت و زور یک انتخاب دارد». شرایط فعلی کشور ما، و بحرانی که مردم ما با آن روبرو است، در تاریخ این وطن، با چنین حالت، سابقه ندارد. با این ماهیت و با همجو ابعاد، که جنایت و خود سری صورت می پذیرد و فقدان تعقل و قلت تفکر انسانی محسوس است، در گذشته نمی شناسد. عوامفریبی، شعارهای عام "کلیشه یی"، چون "مردم سالاری" و یا "حکومت همه شمول" با استعمال کلمه مفت "مردم" که از زبان سران "تیم های انتخاباتی"، "باند ها"، "تنظیم های جهادی مسلح"، "جنگ سالاران" خود خواه و کم عقل، شنیده می شود، آخر تمام امید های مردم ما را، نابود ساخته اند. نزد این عوام فریبان، "تیم های انتخاباتی" آنها، برای خود آنها، به عنوان "مرجع قانونگذاری" و تقسیم قدرت، به جای مراجع معمول "قانونگذاری" در مقایسه با سیستم های سیاسی دیگر جهان، کار گرفته می شود.

عجیب است، شخص دیگری که نامش را "کریم خلیلی" می نامند، در محفل عام، از "جریان صحبت خود با داکتر زلمی خلیلزاد"، نماینده خاص وزارت خارجه ایالات متحده امریکا، مدعی می شود که گویا، تقاضای "التماتم وار" به زبان آورده است، که "ایالات متحده" باید موضع آن قدرت بزرگ را که همین حالا بر اوضاع کشور "حاکم" است، "روشن سازد." که آیا «طرف ارگ» را می گیرند و «طرف مردم» را؟ این "کریم خلیلی" کیست، که از نام "مردم افغانستان" کار می گیرد و درین شرایط "حساس" با "تیم انتخاباتی" آنها، تجزیه افغانستان را به کمک "چهره شناخته شده دیگر"، با تنظیم "بازی بزرگشی" در پیش می گیرند.

رئیس جمهور "پنجشیر"، "عبدالله مربع" هم چنان سخت نا آرام شده باشد، زمانی که از عکس العمل حکومت "هندوستان" در رابطه با اعلان نتایج انتخابات شنیده باشد. بیاد بیاورد که هندوستان روابط با دولت افغانستان را تابع مناسبات آنها، با اشخاص نه، بلکه مسئله حفظ مناسبات تاریخی است. آقای "عبدالله عبدالله" باید بطور "عاجل"، "پاسپورت های جدید"، "دولت موازی خود" را به اعضای "خانوده" خود به "هندوستان" بفرستد، که قرار مسموعی "در آنکشور" بسر می برند، تا دولت هندوستان بر "ویژه های" اقامت آنها تجدید نظر نماید.

پایان



انتخاب بین تعقل و زور!

Saame_a_h_۸۰_intekhab_bain_taaqul_wa_zor.pdf